شاخ اینستاگرام قفل سکوت را شکست

یکی از شاخ‌های اینستاگرام که از شهریور ماه امسال به اتهام قتل در بازداشت به سر می‌برد، سرانجام به جرمش اعتراف کرد و گفت به خاطر وحشت از زندان رجایی‌شهر قفل سکوت به دهان زده بود.

به گزارش جوان، ساعت ۲۲ شامگاه چهارشنبه سوم شهریور امسال شهروندی به مأموران کلانتری ۱۱۷ جوادیه تهران مرگ مشکوک پسر جوانی را تلفنی خبر داد. با اعلام این خبر تیمی از مأموران به محل حادثه که حوالی پل جوادیه راه آهن بود اعزام و در آنجا با جسد پسری حدوداً ۳۷ ساله که هیچ مدرک هویتی همراه نداشت روبه‌رو شدند. نخستین بررسی‌ها حکایت از آن داشت لحظاتی قبل پسر ۲۲ ساله‌ای به نام شهرام که در محل حادثه حضور داشت از اهالی محل درخواست کمک کرده و مدعی شده پسر جوانی که فوت کرده گوشی همراه او را سرقت کرده که هنگام فرار از روی موتورسیکلت همدستش به زمین سقوط کرده و فوت شده است.

بدین ترتیب همزمان بازداشت شهرام به عنوان مظنون حادثه قاضی ساسان غلامی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی در محل تحقیقات خود را آغاز کردند.

متهم در بازجویی‌ها مدعی شد که اهل شهرستان فسا استان فارس است که چند روز قبل برای کار راهی تهران شده‌است تا اینکه ساعتی قبل موتورسیکلتی با دو سرنشین که یکی از آنها پسر فوت شده‌است راه او را سد و تلفن همراه گرانقیمتش را سرقت می‌کنند، اما سارق هنگام فرار از روی موتورسیکلت تعادلش را از دست می‌دهد و روی زمین می‌افتد و فوت می‌کند.

■ شاخ اینستاگرام

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای شناسایی هویت متهم برای ادامه بازجویی و مشخص شدن درستی ادعایش در اختیار کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

وی این بار در ادعایی گفت که شاخ اینستاگرام است و در توضیح ماجرا گفت: نوزاد بودم که پدر و مادرم مرا در خیابان رها کردند و پس از آن در پرورشگاه بزرگ شدم تا اینکه در هفت‌سالگی خانواده‌ای مرا به فرزندخواندگی قبول کردند. پدر و مادر خواندەام با هم اختلاف داشتند و به همین خاطر مادر خواندەام قهر کرده بود و من همراه پدر خواندەام زندگی می‌کردم که چند ماه قبل ناگهان پدر خواندەام فوت کرد. مادر خواندەام از من به اتهام قتل شکایت کرد و من دستگیر شدم، اما خیلی زود جواب پزشکی قانونی آمد و مشخص شد که بی‌گناهم و آزاد شدم. وی درباره سفر به تهران گفت: من در شهرمان شاخ اینستاگرام هستم و ۱۲ هزار دنبال کننده دارم و همین موضوع باعث شد مدتی قبل با دختر ۲۸ ساله‌ای به نام شیما که در اینستاگرام دنبال کننده من بود، آشنا شوم و برای دیدنش راهی تهران شوم. آن روز شیما خانه یکی از دوستانش حوالی پل جوادیه بود که به آن محل رفتم و با دو سارق روبه‌رو شدم. پسر فوت شده گوشی گرانقیمت مرا سرقت کرد و سوار موتور شد که از پشت پیراهنش را گرفتم و زمین خورد و فوت کرد.

■ دروغ گفتم

در حالی که متهم هر روز ادعای تازه‌ای مطرح می‌کرد، مأموران پلیس در بررسی دوربین‌های مداربسته محل و تحقیق از اهالی آنجا دریافتند لحظه حادثه هیچ موتور سیکلتی که دو سرنشین داشته باشد از آنجا عبور نکرده‌است. از سوی دیگر مأموران در بررسی‌های فنی موفق نشدند همدست فراری پسر فوت شده را که متهم ادعا می‌کرد شناسایی کنند.

تحقیقات نشان داد متهم با دروغ گویی قصد فریب مأموران را دارد و روز حادثه با هیچ سارقی درگیر نشده‌است. بدین ترتیب متهم برای چندمین بار تحت بازجویی فنی قرار گرفت تا اینکه سرانجام صبح دیروز شهرام مقابل قاضی ساسان غلامی در دادسرای امور جنایی تهران ادعا کرد تمامی اعترافات قبلی‌اش دروغ بوده‌است و پسر جوان را در حادثه‌ای به قتل رسانده‌است. متهم پس از اعتراف برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

■ گفت‌وگو با قاتل

شهرام چرا دروغ گفتی؟

واقعیتش از زندان می‌ترسیدم و دوست نداشتم دوباره به اتهام قتل راهی زندان شوم. چون تازه چندماه قبل از زندان آزاد شده‌بودم چون بی‌گناهی من هم ثابت شده‌بود که در مرگ پدر خواندەام دخالتی نداشته‌ام اما این بار بی‌گناه نبودم و از اینکه به جرم قتل محاکمه شوم می‌ترسیدم. هر چند که من قصد قتل نداشتم و آدم بدشانسی هستم و همیشه بد می‌آورم.

مقتول را می‌شناختی؟

بله در بازداشتگاه با او آشنا شدم و دو شب با هم در بازداشتگاه کلانتری بودیم.

چرا بازداشتگاه؟

من در شهرمان ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان از یکی از دوستانم طلب داشتم و هر زمانی درخواست می‌کردم طلبم را پس دهد امروز و فردا می‌کرد تا اینکه تلفن همراهش را گرو گرفتم و قرار شد هر زمانی پولم را پرداخت کند من هم تلفن همراهش را پس دهم. روزی که از شهرستان برای دیدن دختر مورد علاقه‌ام راهی تهران شدم تلفن همراه دوستم همراه من بود. در نزدیکی ترمینال جنوب مأموران کلانتری پسر فوت شده را به اتهام سرقت کتانی دستگیر کرده‌بودند که به من هم مشکوک شدند و در بازرسی بدنی علاوه بر تلفن خودم تلفن همراه دوستم را کشف کردند و احتمال دادند که من سارق هستم و مرا به کلانتری منتقل کردند. در بازجویی‌ها گفتم که تلفن همراه متعلق به دوستم است و به خاطر طلبم گرو گرفته‌ام که مأموران هم تحقیق کردند و از دوستم خواستند به تهران بیاید. دوستم به تهران آمد و رضایت داد و تلفنش را گرفت و قرار شد وقتی به شهرمان بروم بدهی‌اش را به من پرداخت کند. آن روز من آزاد شدم و سارق کتانی هم همراه من آزاد شد.

چه شد که او را به قتل رساندی؟

من قصد قتل نداشتم و اتفاقی رخ داد.

حادثه را توضیح بده.

وقتی آزاد شدیم او پیشنهاد داد که با او کار کنم و مدعی شد که داخل زمین‌های اطراف پل جوادیه مبلغ ۱۵ میلیون تومان پول زیر خاک پنهان کرده و از من خواست همراه او به آنجا برویم و پول را از زیر خاک بیرون بیاوریم. او گفت با این ۱۵ میلیون تومان با هم لوازم خودرو بخریم و بفروشیم که به او اعتماد کردم و راهی آنجا شدیم. در محل دقایقی زمین را کندیم که ناگهان با چاقو به من حمله کرد و به زور مرا آزار داد. من با دستم گلوی او را گرفتم تا از دامش فرار کنم که خفه شد و فوت کرد. خیلی ترسیده بودم که بلافاصله این نقشه به فکرم رسید و از اهالی محل درخواست کمک کردم و مدعی شدم که او همراه مرد موتور سواری تلفن همراهم را سرقت کرده و هنگام فرار از روی موتورسیکلت روی زمین افتاده و فوت کرده‌است.

در این سه‌ماه عذاب وجدان نداشتی؟

عذاب وجدان داشتم. مگر می‌شود کسی را به قتل برسانی و عذاب وجدان نداشته باشی.

چرا اعتراف نمی‌کردی؟

گفتم که از زندان می‌ترسیدم. شنیده بودم که زندان رجایی‌شهر یکی از مخوف‌ترین زندان‌های ایران است که قاتلان و مجرمان خطرناک در آنجا نگهداری می‌شوند. می‌دانستم اگر اعتراف کنم به آن زندان منتقل می‌شوم.

قتل پیرمرد پس از رهایی از مرگ

قاتلی که پس از رضایت اولیای‌دم و آزادی از زندان به مراقبت از مرد سالخورده مشغول بود، این بار به اتهام قتل پیرمرد بازداشت شد.

به گزارش جوان، ساعت ۱۹:۳۰ شامگاه جمعه نوزدهم آذر قاضی ساسان غلامی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۶۴ قائم از مرگ مشکوک مرد سالخورده‌ای در یکی از بیمارستان‌های تهران با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی در بیمارستان با جسد مرد ۸۵ ساله‌ای به نام ابراهیم روبه‌رو شدند که به طرز مشکوکی به کام مرگ رفته‌بود. بررسی‌ها نشان داد ابراهیم در درگیری با پرستار خانگی‌اش که مرد ۴۰ ساله‌ای به نام فرزاد است بر اثر کتک کاری فوت کرده‌است.

پسر ابراهیم در توضیح ماجرا گفت: پدرم تنها زندگی می‌کرد و از آنجایی که سالخورده بود و توان انجام همه کارهایش را نداشت تصمیم گرفتیم برای او پرستار خانگی استخدام کنیم. از طریق شرکت خدماتی با فرزاد آشنا شدیم و او را استخدام کردیم. او از پدرمان پرستاری می‌کرد و فکر نمی‌کردیم که پدرمان را به قتل برساند تا اینکه ۱۰ روز قبل متوجه شدیم با پدرمان درگیر شده و او را کتک زده‌است. پدرمان حالش بد شده بود که به بیمارستان منتقلش کردیم و چند روزی بستری بود و از طرفی هم از فرزاد شکایت کردیم تا اینکه پزشکان پدرمان را مرخص کردند و ما هم او را به خانه‌مان آوردیم. فکر می‌کردیم حالش بهتر شود اما پس از چند روز حالش بدتر شد و دوباره در بیمارستان بستری‌اش کردیم که این بار فوت کرد و الان از فرزاد به اتهام قتل پدرمان شکایت داریم.

■ قاتل نجات یافته

همزمان با انتقال جسد مرد فوت شده به پزشکی قانونی برای مشخص شدن علت اصلی مرگ مأموران تحقیقات خود را درباره متهم آغاز کردند که دریافتند فرزاد اهل یکی از شهرهای استان زنجان است که چند سال قبل به اتهام قتل در محل زندگی‌اش دستگیر و راهی زندان می‌شود. بررسی‌ها نشان داد متهم در درگیری مرد دیگری را به قتل می‌رساند، اما در زندان موفق به جلب رضایت اولیای‌دم می‌شود و پس از آزادی برای کار راهی تهران می‌شود.

■ اعتراف

متهم پس از انتقال به اداره‌دهم پلیس آگاهی پایتخت با اظهار پشیمانی به درگیری با مرد سالخورده اعتراف کرد و مدعی شد که قصد قتل نداشته است. وی در ادعایی گفت: مدتی قبل برای پرستاری از ابراهیم استخدام شدم و کارهای او را انجام می‌دادم. من به وظیفه‌ام عمل می‌کردم، اما ابراهیم همیشه به من فحاشی می‌کرد و بداخلاق بود. روز حادثه با هم مشاجره لفظی کردیم که مرا فحش داد و من هم عصبانی شدم او را کتک زدم، اما فکر نمی‌کردم که فوت کند. وی درباره اتهام قبلی‌اش گفت: در آن حادثه هم من در درگیری مردی را هل دادم که روی زمین افتاد و فوت کرد، اما بعد از خانواده‌اش رضایت گرفتم. تحقیقات از متهم ادامه دارد.

اعتراف به قتل در دادگاه

کارگر رستوران که متهم است زنی جوان را در جریان رابطه پنهانی به قتل رسانده است در جلسه رسیدگی به پرونده به جرمش اعتراف کرد.

به گزارش جوان، فروردین ماه امسال بود که مرد جوانی به اداره پلیس تهران رفت و مأموران را از ناپدید شدن همسرش باخبر کرد و گفت: «همسرم صبح زود از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشت. هرجا به فکرم می‌رسید سراغش رفتم، اما خبری از او نبود. چند بار هم با تلفن همراهش تماس گرفتم اما خاموش بود. نگرانم اتفاق بدی برایش افتاده باشد.»

با اعلام این مفقودی، تلاش برای یافتن زن جوان آغاز شد تا اینکه مأموران جسد زن جوانی را در کانال آبی حوالی شهرستان قزوین کشف کردند که لای پتو پیچیده شده و طنابی دور گردنش بود. جسد در حالی که آثار کبودی روی بدنش نمایان بود به پزشکی قانونی فرستاده‌شد تا اینکه بعد از تشخیص هویت مشخص شد متعلق به زن جوانی به نام نگار است که مدتی قبل شوهرش اعلام مفقودی کرده بود.

■ بازداشت مظنون

پرونده این بار با موضوع قتل عمد تشکیل شد و مأموران تحقیقات خود را برای شناسایی عامل یا عاملان قتل آغاز کردند. در اولین گام از تحقیقات بود که مأموران با بررسی تلفن همراه مقتول دریافتند نگار با مرد جوانی به نام مجتبی رابطه پنهانی داشته است.

به این ترتیب مرد جوان که در یک رستوران مشغول کار بود و مأمور خرید بود بازداشت شد. او در بازجویی‌ها سعی داشت پلیس را گمراه کند، اما در روند بازجویی‌ها بالاخره به قتل اعتراف کرد و گفت: «وقتی با مقتول آشنا شدم گفت از شوهرش جدا شده است، اما بعد از مدتی فهمیدم دروغ گفته و شوهر و فرزند دارد. روزی که حقیقت را به من گفت هر دو مواد مخدر و مشروب مصرف کرده‌بودیم. به همین خاطر در حال عادی نبودم که مرتکب قتل شدم.»

■ محاکمه

با اقرارهای متهم، پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. متهم در اولین جلسه محاکمه از زندان به شعبه دوم دادگاه اعزام شد و مقابل هیئت قضایی به ریاست قاضی زالی قرار گرفت.

بعد از اعلام رسمیت جلسه، شوهر مقتول از طرف دختر خردسالش درخواست قصاص کرد. در ادامه او از طرف مادر مقتول که به دلیل بیماری در دادگاه حاضر نبود همین درخواست را مطرح کرد و گفت: «من و همسرم رابطه خوبی داشتیم و هیچ وقت از او رفتار بدی ندیده بودم. ادعای متهم را قبول ندارم. او باید توضیح دهد با چه انگیزه‌ای نگار را به قتل رسانده است. همسرم هیچ وقت لب به مشروب نزده‌بود و مواد مخدر هم مصرف نمی‌کرد. این مرد همه حرف‌هایش دروغ است.»

در ادامه متهم که در پرونده‌اش سابقه مصرف موادمخدر داشت این بار به اتهام قتل عمد، صدمات منتهی به غیر فوت، شرب خمر و سرقت تلفن همراه مقتول مقابل هیئت قضایی قرار گرفت. او خلاف اظهاراتش قتل را انکار کرد و در شرح ماجرا گفت: «چند سال قبل از همسرم جدا شدم و سرپرستی دو فرزندم را به او سپردم. در یک رستوران مسئول خرید بودم به همین دلیل بهمن سال ۹۹ برای تهیه مواد غذایی به میدان خراسان رفتم. بین راه موتورم خراب شد بنابراین پیاده در حال گشت و گذار بودم که مقابل یک فروشگاه ایستادم. همان موقع نگار را دیدم و او را فریب داد.»

متهم ادامه داد: «بعد از این آشنایی نگار مدعی شد سال‌ها قبل به خاطر اختلاف با شوهرش از او جدا شده و تنها زندگی می‌کند. وقتی این موضوع را فهمیدم دلم برایش سوخت. در ملاقات‌هایی که با هم داشتیم می‌گفت بیماری قند دارد و تریاک مصرف می‌کند. این ملاقات‌ها ادامه داشت تا اینکه بعد از ۱۳ بدر امسال او را به خانه مان دعوت کردم. وقتی نگار به خانه‌ام آمد با هم مشروب خوردیم و مواد مخدر مصرف کردیم. نگار بعد از مصرف مواد یکباره حالش بد شد.»

■ شرح قتل

متهم درباره قتل گفت: «همان موقع یک پتو را دورش پیچیدم و با طناب بستم. احتمالاً وقتی طناب را دور پتو می‌پیچیدم دور گردنش افتاده بود و باعث خفگی شده بود.»

بعد از این توضیحات ریاست دادگاه طبق نظریه پزشکی قانونی که علت فوت را خفگی اعلام کرده بود و عکس‌های مقتول که نشان می‌داد طناب اتفاقی دور گردن مقتول نیفتاده است خواست تا متهم حقیقت را بگوید. بعد از نشان دادن این مدارک بود که متهم سرش را پایین انداخت و گفت: «بله من قاتل هستم. وقتی نگار حالش بد شد طناب را دور گردنش انداختم و او را خفه کردم. سپس جسد را لای پتو گذاشتم و با خودروام آنرا به قزوین بردم و در کانال آبی رها کردم.»

او در پاسخ به سؤال ریاست دادگاه درباره آثار کبودی روی بدن مقتول نیز گفت: «مقتول بیماری قند و واریس داشت. احتمالاً کبودی‌ها به دلیل بیماری بوده یا حین حمل جسد بدنش کبود شده بود.» متهم درباره سرقت تلفن همراه مقتول نیز گفت: «بعد از قتل به خانه برگشتم که متوجه شدم تلفن همراه مقتول در خانه جا مانده است. برای اینکه شناسایی نشوم آن را به میدان شوش بردم و به قیمت ۴۰۰ هزار تومان به یک مالخر فروختم.»

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

لغو جریمه‌های یک‌میلیونی محدودیت‌های کرونایی

جانشین رئیس پلیس راهور ناجا از خداحافظی با جریمه‌های یک میلیونی مربوط به محدودیت‌های کرونایی خبر داد.

سردار سید تیمور حسینی گفت: همانگونه که رنگ‌بندی جدید کرونایی شهرها اعلام شد تنها هشت‌شهر در وضعیت نارنجی قرار دارند و خوشبختانه هیچ شهری در وضعیت قرمز کرونایی نیست و این یعنی دیگر در حال حاضر جریمه یک میلیون تومانی نداریم و فقط جریمه‌های ۵۰۰ هزار تومانی شهرهای نارنجی پا برجا است.

وی افزود: هنوز از جزئیات طرح قرنطینه هوشمند چیزی به پلیس اعلام نشده و مبنای محدودیت‌های جاده‌ای همان طرح قبلی براساس رنگ‌بندی جریمه اعمال شده است.

قمه‌کشی به خاطر بازی کودکان

مردان شرور که مرد همسایه‌را به خاطر بازی کودکان تا پرتگاه مرگ کشانده‌اند بازداشت شدند.

به گزارش جوان، سرهنگ علی محمدی رئیس پایگاه ششم پلیس امنیت عمومی تهران گفت: اول آذرماه به مأموران پلیس امنیت خبر رسید حادثه درگیری بین دو همسایه در شهرک کاروان اتفاق افتاده و در جریان آن یکی از همسایه‌ها با ضربات قمه همسایه‌اش مجروح شده‌است. بررسی‌های پلیس با حضور در محل نشان داد که ضارب از اوباش معروف است که چند سابقه شرارت دارد و باهمدستی دوستانش بر سر بازی بچه‌ها با همسایه‌اش درگیری را رقم زده‌است. در حال که از بیمارستان خبر رسید مرد زخمی به کما رفته روز گذشته مأموران پلیس موفق شدند دو نفر از عاملان حادثه را بازداشت کنند. دو متهم در بازجویی‌ها به درگیری اعتراف کردند و تحقیقات برای بازداشت سایر متهمان جریان دارد.

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان
تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۴۹۸۴۵۸

مفقودی
سند کمپانی خودروی سواری پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۹۰ به رنگ سفید روغنی به شماره شاسی NAAP۱۳FE۳BJ۴۵۵۴۹۴ و به شماره موتور ۱۳۳۹۰۰۰۳۶۳۵ و به شماره پلاک ۶۸۱ن ۸۲ ایران ۳۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. / مشهد

آگهی تجدید مناقصه عمومی
شماره ۱۶-۰۷-م-۱۴۰۰
موضوع مناقصه: خرید مواد افزودنی جهت ترکیب با مواد پی وی سی سخت با گرید S۶۵ برای تولید لوله زهکش کاروگیت دار
تاریخ دریافت اسناد مناقصه: ۱۴۰۰/۰۹/۲۲ لغایت ۱۴۰۰/۰۹/۲۷ از ساعت ۸ الی ۱۶ مهلت ارایه پیشنهاد قیمت: پایان وقت اداری روز چهارشنبه ۱۴۰۰/۱۰/۰۴
بازگشایی پاکات: یکشنبه ۱۴۰۰/۱۰/۰۵
مبلغ سپرده شرکت در مناقصه: ۵۰۰ میلیون ریال
تحویل اسناد: کیلومتر ۱۰ جاده اهواز آبادان - شرکت آبان بسپار توسعه - مدیریت بازرگانی - امور قراردادها
تلفن: ۰۶۱۳۳۱۳۰۸۸۸ و ۰۶۱۳۳۱۳۰۸۹۰
(هزینه درج یک نوبت آگهی بر عهده برنده مناقصه خواهد بود)

دعوت برای شرکت در مناقصه عمومی
معاونت عمرانی فنی
و عمران بنیاد بهره وری موقوفات آستان قدس رضوی
معاونت فنی و عمرانی بنیاد بهره وری موقوفات آستان قدس رضوی در نظر دارد مناقصه تهیه و اجرای تاسیسات الکتریکی و مکانیکی آشپزخانه مرکزی آستان قدس رضوی را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله ای واگذار نماید. لذا متقاضیانی که حداقل رتبه ۳ تاسیسات و تجهیزات را دارا می باشند، می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۰/۰۹/۲۳ به دبیرخانه معاونت عمرانی آستان قدس به نشانی مشهد، چهارراه شهدا، سازمان مرکزی آستان قدس رضوی، معاونت عمرانی مراجعه یا با شماره تلفن ۳۲۰۰۱۱۲۶-۰۵۱ تماس حاصل نمایند.
ضمنا هزینه چاپ آگهی در روزنامه‌ها بر عهده برنده نهایی مناقصه خواهد بود.
نوبت دوم

گمرک جمهوری اسلامی ایران
بدینوسیله به آقای وحید شرفیان فرزند ابوالقاسم به شماره شناسنامه ۵۲۶ ابلاغ می‌گردد: پرونده اتهامی شما در شعبه اول هیأت تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان وزارت امور اقتصادی و دارایی مطرح و منتج به صدور رأی قطعی به شماره ۱/۷۴۶۰/هت مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۱ مبنی بر "انفصال موقت به مدت شش ماه" گردیده است. لذا با توجه به قطعیت رأی فوق از تاریخ درج در روزنامه‌های کثیرالانتشار اجرا و در صورت اعتراض می‌تواند حداکثر ظرف سه ماه (تبصره ۲ ماده ۱۶ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲) از تاریخ ابلاغ رأی به دیوان عدالت اداری شکایت نماید.
شناسه آگهی: ۱۲۴۰۴۸۰
اداره کل منابع انسانی و رفاه
م/الف: ۳۱۴۹

اگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سندرسمی برابرماده ۳وماده ۱۳ یین نامه قانون تعیین تکلیف ابرابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۱۲۰۰۱۰۰۷۷۸۵ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی مستقردرواحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۰۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۲۴۶ تقاضایاقای جعفررضایی به شماره شناسنامه ۴۵۱ وکد ملی ۴۵۹۰۷۹۳۷۹۲ صادره ازشاهرود فرزند چراغ درششدانگ یک قطعه زمین که دران احداث بنا شده است بمساحت ۵۵/۱۰۰ مترمربع ازپلاک شماره ۱۲۶ -اصلی واقع دراراضی گلند بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی ابراهیم قاسمی به متقاضی دارد به منظوراطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله پانزده روزاگهی میشوداز این رو اشخاصی که نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین اگهی بمدت دوماه اعتراض خود را با ذکرشماره پرونده به این اداره تسلیم وپس ازاخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی،دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید
تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۰/۹/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۰/۱۰/۷
علی برقی رییس اداره ثبت اسناد واملاک منطقه یک گرگان

آگهی تغییرات شرکت سیمان مهر ماکو سهامی خاص به شماره ثبت ۶۵۲ و شناسه ملی ۱۰۸۶۲۰۶۱۹۴۹ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۳۱/۰۵/۱۴۰۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ - ترازنامه و صورت وضعیت مالی منتهی به ۳۰/۱۲/۹۹ تصویب گردید. ۲- آقای حمید اقبالیان بشماره ملی (۳۸۷۱۰۲۲۱۹۵) و آقای مهرداد پاک طریق بشماره ملی (۲۱۸۱۰۷۲۱۳۲) و مصطفی نادری بشماره ملی (۰۰۶۴۹۱۵۸۰۸) بعنوان اعضا اصلی هیئت مدیره بمدت دوسال تعیین و انتخاب شدند. ۳-موسسه حسابرسی آزمون سامانه با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۵۲۰۱۰ بشماره ثبت ۱۱۴۴۲ بعنوان بازرس اصلی و حسابرس مستقل شرکت و آقای نعیم حسن زادگان ماکویی بشماره ملی (۲۸۲۰۰۳۵۷۰۱) بعنوان بازرس علی البدل شرکت برای یک سال انتخاب شدند. اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری ماکو (۱۲۴۰۴۹۳)